



پرسود و مهم در صنعت تولید فیلم و سریال به حساب می‌آید. در این سال‌ها در عنوان‌بندی پایانی بسیاری از همین آثار آپارتمانی و در قسمت تشکر، نام «خانواده رجبی» به چشم می‌خورد. خانواده‌ای که خانه خود را در اختیار این آثار قرار می‌دهد و در دوره‌ای پای ثابت سریال‌های تلویزیونی این سال‌هاست و بعدها به نام خاطره‌انگیزی در عنوان‌بندی سریال‌های تلویزیونی تبدیل می‌شود.

اتفاق مهم این دهه، ساخت شهرکی به نام شهرک سینمایی دفاع مقدس در بیابان‌های جنوب تهران و در مسیر جاده قم است. شهرکی وسیع با فضایی شبیه جبهه‌های جنگ تحمیلی که در آن ادوات نظامی وجود دارد و می‌توان انفجارها و درگیری‌های دوران جنگ را بازسازی کرد. این شهرک هم این روزها مانند شهرک غزالی و بسیاری از ارگان‌های دیگر، درگیر بوروکراسی پیچیده‌ای هستند که گاه تهیه‌کننده‌ها را از مراجعه به آن منصرف می‌کند. اتفاقی که در نهایت به ضرر آثار با محوریت دفاع مقدس تمام می‌شود و چه بسا تعداد آن را به شکل ملموسی کاهش دهد.

### از شمال تا جنوب

دهه ۸۰ از نظر تعداد و وسعت جغرافیایی سریال‌سازی در چهار دهه گذشته سرآمد است. دهه‌ای که ساخت فیلم‌های تلویزیونی هم به شکل جدی آغاز می‌شود و تقریباً در همه گونه‌ها سریال‌های خوبی تولید می‌شوند. اتفاقاً در این دهه با توجه به نکاتی که گفته شد باعث می‌شود انتخاب محل ابتدا به یک مساله مهم و در مرحله بعد به معضل جدی در سریال‌های تلویزیونی تبدیل شود. در این سال‌ها شبیه‌سازی یک مکان با مکانی اصلی وقوع داستان و دکورسازی بسیار رواج پیدا می‌کند. اتفاقی که برخلاف تصور تولیدکنندگان باعث فشار اقتصادی زیادی به طرح‌ها می‌شود به گونه‌ای که حضور در محل واقعی گاه می‌تواند بار مالی کمتری داشته باشد.

در این سال‌ها چند مجموعه مهم از نظر مکان فیلمبرداری وجود دارد که پخش و تولید آن به دهه ۹۰ هم متصل می‌شود. نخست مجموعه عظیم مختارنامه به کارگردانی داوود میرباقری است که لاجرم از دکورهای بسیار استفاده می‌کند. نکته سریال مختار نه استفاده از دکورهای بسیار و حتی بازسازی فوق‌العاده شهرهایی همانند مکه که پساتولید

این مجموعه و یک ضعف و کم‌کاری تاریخی در حوزه سریال‌های تاریخی است.

دکورهای بسیاری از تجهیزات این مجموعه که می‌توانست به یک آرشیو فوق‌العاده در تلویزیون تبدیل شود، با تغییر مدیریت‌ها از بین می‌رود و امروزه اگر قرار باشد سریالی مشابه در این بازه تاریخی ساخته شود، باید از ابتدا دکورها و بسیاری از فضاها ساخته شود. این که مکان فیلمبرداری و دکور در تولیدات نمایشی سینما و تلویزیون ایران یک‌بار مصرف است و دید اقتصادی درباره آنها وجود ندارد واقعیت تلخی است که باید در آن بازنگری شود. همین حالا دیگر مکان‌های فیلمبرداری فیلم مادر، سریال پدر سالار، مجموعه روزی روزگاری و بسیاری از آثار مشابه وجود خارجی ندارد و غبار زمان آنها را از بین برده است، در حالی که اشاره خواهد شد که در صنعت فیلمسازی جهان مکان‌ها می‌توانند بعد از تولید، سودآوری اقتصادی داشته باشند.

مجموعه دوم پایتخت، ساخته سبوس مقدم است که در زمینه استفاده از مکان در چهار فصل خود می‌تواند مثال خوبی باشد. مجموعه‌ای جاده‌ای که



در فصل دوم یک سفر از شمال به جنوب مفصل دارد و از مکان‌هایی در مسیر استفاده می‌کند که مخاطب تلویزیونی را به سفر ترغیب می‌کند. نکته‌ای که به جز فصل پنجم در همه فصل‌های این مجموعه وجود دارد. درست کاری که تولیدات تلویزیونی کشورهایی مانند ترکیه در زمینه توسعه گردشگری انجام می‌دهند و اساساً سریال‌های تلویزیونی حالا یک ابزار و امکان فوق‌العاده برای توسعه گردشگری محسوب می‌شوند.

### لطفا تولیدی بنویس!

این عبارتی است که نویسندگان تلویزیونی در سال‌های گذشته بسیار با آن درگیر بوده‌اند. نکته‌ای که آفت بسیار جدی در تولیدات نمایشی است و بسیاری از تهیه‌کنندگان عموماً آثاری را مورد توجه قرار می‌دهند که مکان‌های کمتری دارند و حتی محدود به یک یا چند آپارتمان هستند. این نکته در کنار سختی هماهنگی با ارگان‌های مختلف باعث می‌شود امروزه بیش از هر زمان دیگری نیاز به یک شهرک بزرگ با ساختمان‌های مختلف مانند کلانتری، بیمارستان، بازار و مانند اینها در دوره‌های مختلف تاریخی خصوصاً دهه‌های ۵۰ و ۶۰ برای کارهای مرتبط با انقلاب اسلامی احساس شود. کاری که می‌تواند سختی‌های بازسازی این سال‌ها را به حداقل برساند و توان گروه را به جای بازسازی یک کوچه و برگرداندن آن به دهه ۵۰ بر افزایش کیفیت تولید متمرکز کند.

### مکان فیلمبرداری به مثابه موزه!

پیش از این در قالب کوچک اشاره شد که مجموعه «از سرزمین شمالی» تولید کشور ژاپن پس از سال‌ها تولید، روستایی را که این مجموعه در آن ضبط شده است تبدیل به موزه می‌کند و اتفاقاً این روستا به یکی از جاذبه‌های گردشگری منطقه تبدیل شده است. برنامه‌ای فوق‌العاده که نشان از اهمیت مکان در تولیدات نمایشی دارد؛ این که یک مجموعه می‌تواند پس از پخش هم سوددهی و بازدهی اقتصادی داشته

باشد. این اتفاق متأسفانه در ایران تاکنون رخ نداده و حتی عمارت باغی مانند فین کاشان هم با آن که کم‌اکنون پابرجاست نشانه‌ای از تولید یک سریال مشهور تلویزیونی مانند سلطان و شبان را در خود ندارد. این نکته که پایان یک سریال، پایان چرخه سودآوری نیست و هر سریال می‌تواند فضایی برای استفاده آثار بعدی باشد از درس‌هایی است که باید مورد واکاوی و بررسی جدی توسط برنامه‌ریزان آثار نمایشی سازمان قرار گیرد.

### شهرک‌هایی مانند یک شهر!

کشورهای صاحب سینما در جهان ده‌ها سال است با ساخت شهرک‌های سینمایی عظیم و استودیوهای با امکانات بالا، مشکل مکان فیلمبرداری را حل کرده‌اند؛ شهرک‌هایی مانند چینه چیتا در حومه شهر رم، راموجی فیلم در حیدرآباد هندوستان، بابلبرگ در آلمان، موس فیلم در روسیه و مجموعه عظیم هالیوود در آمریکا و شهرک‌هایی که در دوران معاصر در کشورهایی مانند لهستان و مراکش تأسیس شده‌اند و با امکانات نرم‌افزاری مدرن می‌توانند هر دوره تاریخی در هر سرزمینی را به راحتی بازسازی کنند. در دوران معاصر و به واسطه فناوری روزگاری است که می‌توان با استفاده از این امکانات هر فیلمنامه‌ای را به تولید رساند و دیگر نگران اجاره مکان فیلمبرداری و وسایل صحنه نبود. در همین شهرک چینه چیتا برای تغییر یک دوره تاریخی در نماهای داخلی صرفاً با تعویض چارچوب در و پنجره، دوره زمانی مورد نظر بازسازی می‌شود و کمتر گروه فیلمسازی را می‌توان در میان خیابان‌های معمولی این کشورها دید. این روزها دیگر دوره خیابان بستان، عوض کردن تابلوهای سر در مغازه‌ها و پوشاندن علمک‌های گاز به شکل جدی به سر آمده است. حالا تلویزیون بیش از هر زمان دیگری نیازمند یک شهرک سینمایی در دوره تاریخی دهه ۳۰ تا ۶۰ و ۷۰ است. شهرکی که اگر باشد فیلمساز ایرانی هنرش را مانند گذشته نشان خواهد داد....